

## فعل شبه مجهول در فارسی و انگلیسی

علی خزاعی فر

در شماره قبل (شماره نوزدهم، پاییز ۷۴)، همکار فاضل آقای حسن لاهوتی مقاله مبسوط و محققانه‌ای در مورد نحوه ترجمه جملات مجهول انگلیسی به فارسی نوشته بودند. این مقاله انگیزه آن شد تا مقاله حاضر در باره جنبه‌ای از بحث که در آنجا به اجمال از آن سخن رفته بود، نوشته شود. در این مقاله بیشتر به جنبه‌های نظری و مقابله‌ای موضوع پرداخته شده است. در قسمت دوم مقاله که در شماره آینده خواهد آمد، اهمیت بحث برای ترجمه ضمن نقل مثالهای متعدد از ترجمه‌های موجود نشان داده خواهد شد.

### ۱. مقدمه

هر چند عموم دستورنویسان و زبان‌شناسان معتقدند زبان فارسی ساختار مجهول دارد، توصیف این ساختار و مسائل مرتبط با آن از دیرباز بحثهای بسیاری در محافل زبان‌شناسان ایرانی و غیر ایرانی برانگیخته است. مشکل اصلی این است که فعل شدن که در ساختن مجهول به کار می‌رود ظاهراً نقش دیگری نیز دارد و آن این که در افعال متعدی که با فعل کردن ساخته می‌شوند به جای کردن می‌نشینند و این افعال را به حالت لازم در می‌آورد: خشک کردن - خشک شدن؛ آشنا کردن - آشناسدن. نقش لازم سازی فعل شدن به افعال مرکب محدود نمی‌شود بلکه افعال ساده (کندن - کنده شدن) و افعال ساده دوجویی (افعالی که هم لازمند و هم متعدی) را نیز در برمی‌گیرد: پاشیدن - پاشیده شدن؛ پژمردن - پژمرده شدن. (در فارسی محاوره‌ای تمایل بر این است که صورت لازم این افعال را از صورت متعدی آنها جدا می‌کنند. برای این کار، گاه صورت لازم را با فعل شدن می‌آورند.) بدین ترتیب با توجه به نقش به ظاهر دوگانه فعل شدن، تشخیص مجهول بودن یا لازم بودن افعال در جملات زیر از صورت فعل بر نمی‌آید:

۱. اکثر نیروهایشان تلف شدند.
۲. این دیوار راحت رنگ می‌شود.
۳. این قانون هیچ وقت اجرا نشد.
۴. این نامه دو سال بعد نوشته شد.
۵. از اینجا تا مرز جاده‌ای جدید کشیده شده است.
۶. قسمتهایی از مجسمه در اثر مرور زمان خورده شده است.

در اینجا در واقع دو مشکل مرتبط با یکدیگر وجود دارد. یکی این که ملاک تشخیص فعل مجهول چیست. دیگر آنکه ملاک تشخیص فعل لازم مجهول نما (که آن را فعل شبه مجهول می‌نامیم) کدام است. در این مقاله ابتدا فعل شبه مجهول را از دیدگاه معنایی توصیف کرده، سپس به اجمال افعال شبه مجهول فارسی را با افعال نظیر آنها در انگلیسی مقایسه می‌کنیم.

## ۲. نقش معنایی فعل شدن

چنان که گفتیم، فعل شدن به دلیل نقشی به ظاهر دوگانه‌اش بحثهای بسیاری در محافل زبان‌شناسی برانگیخته و به صورتهای مختلف تعبیر شده است. آن گونه که ویندفور (۱۹۷۹) می‌گوید، انگلوس (۱۶۸۴) شاید اولین کسی باشد که برای شدن دو نقش قایل شده و این دو نقش را از یکدیگر تفکیک کرده است. به نظر انگلوس، یک نقش شدن کمک در ساختن فعل مجهول است و نقش دیگر، نقش خنثی (neutral)، یعنی جزء فعل مرکب بودن است. از جمله زبان‌شناسان معاصر که به بحث درباره شدن پرداخته‌اند، یکی موین<sup>۱</sup> (۱۹۷۴) است که فقط یک نقش برای شدن قایل است. نظر موین به‌طور خلاصه و بدور از جزئیات فنی این است که اساساً در فارسی ساختار مجهول وجود ندارد و شدن فقط در ساختن افعال لازم‌شبه مرکب (افعال inchoative) به کار می‌رود. (برای نقد نظر موین مراجعه کنید به دبیر مقدم، ۱۹۸۲)

به اعتقاد ما تبیین نقش شدن تنها از دیدگاه معنایی ممکن است. به جملات زیر توجه کنید:

۷. آب تبخیر شد.

۸. علی آزرده شد.

۹. زندانی کشته شد.

جملات (۷) و (۸) از یک نظر به جمله (۹) شبیه واز یک نظر با آن متفاوتند. مشابهت آنها در این است که هر سه جمله تغییر وضعیت یا حالتی را بیان می‌کنند و در هیچ یک از این سه جمله، فاعل دستوری، عامل (agent) یا علت (cause) فعل نیست. آب و علی و زندانی هر سه پذیرای نوعی تغییر وضعیت یا حالت شده‌اند، اما نه آب باعث تبخیر خود شده، نه علی عامل آزرده شدن خویش بوده و نه زندانی عامل کشته شدن خویش. تفاوت جملات (۷) و (۸) و (۹) در این است که در جمله (۹) زندانی در واقع مفعول منطقی جمله است و تغییر در نتیجه دخالت ارادی عاملی خارجی صورت گرفته است اما در جملات (۷) و (۸) ماهیت فعل (تبخیر شدن و آزرده شدن) به گونه‌ای است که ضرورتاً با تغییری در حالت فاعل همراه است. به تعبیر معناشناسان، واقعه‌ای که جمله (۷) یا (۸) گزارش می‌کند، واقعه‌ای تغییر دهنده (inchoative) است زیرا تغییری که حاصل می‌شود ذاتی واقعه است. در مورد تفاوت میان جملاتی نظیر (۸) و (۹) بعداً بیشتر صحبت می‌کنیم. فعلاً آنچه مورد نظر ماست این است که شدن در واقع یک نقش دارد نه دو نقش. شدن برای بیان واقعه‌ای به کار می‌رود که تغییر حالت یا وضعیتی را گزارش می‌کند و از آنجا که فعل مجهول را در فارسی بیانگر نوعی واقعه همراه با تغییر حالت (a change-of-state event) به شمار آورده‌اند، آن را با فعل شدن ساخته‌اند. (لازم به یادآوری است که در انگلیسی و بسیاری از زبانهای دیگر ساختار مجهول با فعل کمکی be ساخته می‌شود نه با become). به عبارت دیگر، فعلی شدن در فارسی در موقعیتی به کار می‌رود که فاعل، عامل فعل نیست بلکه از فعل اثر پذیرفته و در نتیجه حالت یا وضعیت آن تغییر کرده، خواه این تغییر ذاتی واقعه باشد، خواه توسط عاملی خارجی صورت گرفته باشد.

این تعبیر از فعل شدن به برخی از ابهامات درباره ساخت مجهول خاتمه می‌دهد. اما مسأله به همین جا ختم نمی‌شود. هنوز تفاوت میان جملات (۸) و (۹) بدرستی روشن نشده و ملاکی برای تشخیص لازم یا مجهول بودن فعل این جملات به دست نیامده است. در ابتدا ببینیم افعالی که با شدن همراهند ولی مجهول نیستند چگونه افعالی هستند.

## ۳. فعل شبه مجهول

دستور نویسان سنتی، معمولاً فعل را به دو نوع متعدی و لازم تقسیم کرده‌اند. فعل متعدی فعلی است که

می تواند مفعول بگیرد. فعل لازم فعلی است که نیاز به مفعول ندارد. تفکیک میان این دو نوع فعل، دو دسته جمله زیر را از یکدیگر متمایز می کند:

۱۰. الف. علی دیروز رفت سینما.  
 ب. من صبحها پیاده روی می کنم.  
 ج. بچه ها آرام نشسته اند.  
 ۱۱. الف. علی را دیروز بردیم سینما.  
 ب. بچه گلدان راشکست.  
 ج. بچه ها انشاهای خوبی می نویسند.

اکنون جملات دسته (۱۰) را با جملات دسته (۱۲) مقایسه کنید:

۱۲. الف. کاغذها پراکنده شد.  
 ب. بچه ها گول خوردند.  
 ج. این پارچه زود لک بر می دارد.

بنابر تعریف دستور نویسان سنتی از فعل لازم، افعال جملات دو دسته (۱۰) و (۱۲) همگی لازم هستند. اما اگر دقیق تر به این افعال نگاه کنیم، می بینیم که از نظر معنایی با یکدیگر تقابل دارند. تقابل آنها از این جهت است که در افعال جملات دسته (۱۰)، فاعل عامل فعل است، اما در افعال جملات دسته (۱۲)، فاعل را نمی توان عامل فعل دانست بلکه فاعل از فعل اثر پذیرفته است. کاغذها پراکنده شده، اما خود کاغذها عامل پراکنده شدن نبوده است. بچه ها نیز به اراده و میل خود گول نخورده اند و بالاخره این پارچه پذیرنده لک است نه عامل لک کردن. بدین ترتیب، می بینیم تقسیم فعل به لازم و متعدی کافی نیست چون این تقسیم بندی دو دسته از افعال لازم را که با یکدیگر تقابل معنایی دارند از هم متمایز نمی کند. افعال لازم جملات دسته (۱۰) را "لازم محض" و افعال لازم جملات دسته (۱۲) را "شبه مجهول"<sup>۲</sup> می نامیم.

افعال شبه مجهول برای بیان دو نوع واقعه به کار می روند. در هر دو نوع واقعه، فاعل اثر می پذیرد و در نتیجه واقعه یا در خلال آن تغییر حالت یا وضعیت می دهد. این دو نوع واقعه به قرار زیرند:

الف. وقایعی که در آنها تغییر بدون هیچ گونه دخالت ارادی عامل انسانی صورت می گیرد. هر چند که، بنابر قانون علیت، هیچ واقعه ای خود به خود انجام نمی شود و برای هر نوع تغییر نهایتاً می توان عامل یا علتی متصور شد. اما در این نوع واقعه گوینده به عامل یا علت توجه ندارد بلکه بر فاعل که اثر پذیرفته، تأکید دارد. در نتیجه چنین می توان تصور کرد که واقعه تنها یک شرکت کننده اصلی (participant) دارد و آن همان است که از واقعه تأثیر پذیرفته است. این وقایع بیشتر بیانگر تغییرات فیزیکی یا ماهوی شرکت کننده در نتیجه عملکرد عوامل غیر انسانی اعم از عوامل درونی یا بیرونی است. دسته کوچکی از افعالی که این نوع واقعه را بیان می کنند، افعال ساده ای هستند که صورت لازم و متعدی برخی از آنها یکی است. از جمله این افعال عبارتند از: پوسیدن، مردن، شکافتن، شکستن، گسستن. اما این نوع واقعه معمولاً با افعال مرکب متشکل از شدن یا معادلهای سبکی آن بیان می شود. برخی از این افعال که بدون فعل شدن آمده اند عبارتند از:

زنگ زدن	تحقق یافتن	پدید آمدن
صدمه دیدن	آتش گرفتن	تعمیم یافتن

برخی از این افعال که با فعل شدن آمده‌اند عبارتند از:

منجمد شدن	سفت شدن	خجل شدن
بخار شدن	پاره شدن	خیس شدن
پراکنده شدن	آلوده شدن	حل شدن
ناپدید شدن	غرق شدن	محو شدن
خفه شدن	آزرده شدن	وخیم شدن

ب. نوع دوم واقعه‌ای که با فعل شبه مجهول بیان می‌شود واقعه‌ای است که نحوه انجام پذیری عملی را بیان می‌کند و در نتیجه گاه با قیودی مثل "خوب"، "راحت"، "سخت" و امثال آن همراه می‌شود. در این نوع واقعه نیز فاعل، عامل واقعه نیست بلکه پذیرای عمل است و باز تأکید گوینده بر فاعلی اثر پذیرفته است نه بر عامل یا علت. این نوع واقعه مربوط به زمان خاصی نیست بلکه بیان حقیقت یا خصلت کلی پدیده‌ای است. چند مثال:

۱۳. پول راحت خرج می‌شه.

۱۴. این پارچه زود لک برمی‌داره.

۱۵. این جور کتابها سخت فروش می‌ره.

نکته مهمی که در اینجا قابل ذکر است این است که جملاتی که با افعال شبه مجهول ساخته می‌شوند جملاتی معلوم هستند نه مجهول. فعل شبه مجهول فعلی لازم دارای یک شرکت کننده اصلی یا یک عبارت اسمی وابسته (argument) یعنی فاعل است و چون این عبارت نمی‌تواند عامل فعل باشد، پس در جمله جای دیگری برای عامل وجود ندارد. به بیان دیگر، فعل شبه مجهول وقتی به کار می‌رود که گوینده بر فاعلی اثر پذیرفته تأکید دارد نه بر عامل. حال اگر بخواهیم عامل را نیز ذکر کنیم، طبعاً از فعل شبه مجهول استفاده نمی‌کنیم بلکه از ساختاری استفاده می‌کنیم که در آن عامل در جای فاعل می‌نشیند. راه دیگر آن است که عامل را از طریق عبارات کنادی "به وسیله..." یا توسط" در جمله دارای فعل شبه مجهول بگنجانیم و این از نظر بسیاری از فارسی نویسان غیر دستوری و غیر قابل قبول است: (\* قبل از جمله نشانه غیر دستوری بودن جمله است)

۱۶. الف. نقشه توسط آنها خوب پیش رفت.

\*ب. دانش آموز توسط معلم تویخ شد.

\*ج. این نظریه توسط دانشمندان انگلیسی شکل گرفت.

البته می‌توان عباراتی را که بیانگر علت وقوع فعل هستند (این عبارات غالباً با حرف اضافه از آغاز می‌شوند) با فعل شبه مجهول همراه کرد:

۱۷. الف. دهانم از ترس خشک شد.

ب. او از کار زیاد خسته شده.

ج. من از دست او دلخور شدم.

د. آنها از حرکات تو متعجب شدند.

ه. گیسوانش در باد پریشان شد.

و. نقشه در نتیجه همکاری همه خوب پیش رفت.

در جملات مجهول ذکر عامل از طریق عبارات کنادی هرچند ممکن است اما در گذشته متداول نبوده است. (درس‌الهای اخیر این نحوه اشاره به عامل فعل در جملات مجهول، از طریق ترجمه در زبان فارسی متداول شده است). ذکر عامل در جملات مجهول بدین علت متداول نبوده که مجهول بیشتر برای بیان عملی به کار می‌رفته که عامل آن معلوم نبوده است. (به طوری که موبین - ۱۹۷۴:۲۵۰ - می‌گوید، اصطلاح *passive* رادستور نویسان اروپایی زبان فارسی به فعل مجهول فارسی اطلاق کردند. دستور نویسان ایرانی اصطلاحات "فعل مجهول" یا "صیغه مجهول" را که از عربی به عاریت گرفته‌اند، به کار می‌برند. این اصطلاحات هردو به "نامعلوم بودن عامل" اشاره دارد.) از این گذشته اگر می‌خواستند اسمی را که اثر پذیرفته در ابتدای جمله بیاورند و عامل را نیز ذکر کنند از ساختار مفعول+را+فاعل (عامل)+فعل استفاده می‌کردند. مثل: همه کودکان را مأموران نجات دادند. و اگر می‌خواستند اسمی را که اثر پذیرفته در ابتدای جمله بیاورند بی‌آنکه عامل را ذکر کنند، از ساختاری معلوم و غیر شخصی استفاده می‌کردند. مثل: صداها را بریدند و قلمها را شکستند. و از آنجا که فعل مجهول عمدتاً بدون عامل به کار می‌رفته و ساختار معلوم و غیر شخصی فوق نیز بسیار متداول بوده، در نتیجه اصولاً فعل مجهول در گذشته تداول بسیار کمی داشته و رقیب سرسختی برای ساختار غیر شخصی به شمار نمی‌آمده است.

چنان که گتیم فعل مجهول برای بیان نوعی واقعه همراه با تغییر حالت به کار می‌رود، واقعه‌ای که در آن تغییر ذاتی فعل نیست بلکه توسط عامل خارجی (معمولاً انسان) صورت می‌گیرد. معنی شناسان به مفعولی که چنین تغییری را می‌پذیرد *patient* می‌گویند. وجه تسمیه این اصطلاح این است که این نوع مفعول مثل مریضی که تحت عمل جراحی قرار گرفته از خود اراده‌ای ندارد و فقط می‌تواند پذیرای عمل باشد. اگر بخواهیم فعل مجهول را از روی صورت صرفی آن تشخیص بدهیم، در این صورت این سؤال پیش می‌آید که آیا جملاتی مثل این نامه دیروز پست شده مجهول است یا نیست. چنان که می‌دانیم برای ساختن فعل مجهول به آخرین ماضی فعلی متعدی حرف هاء غیر ملفوظ اضافه می‌کنیم و بعد فعل شدن (یا افعالی نظیر گردیدن، گشتن، آمدن یا افتادن) را صرف می‌کنیم. براساس این دستور ساخت، فعل جمله بالا بظاهر مجهول نیست چون پست اسم است نه اسم مفعول. یک پاسخ به این سؤال این است که فعل جمله یعنی پست شدن و اساساً هرفعلی که با شدن آمده، مثل ترجمه شدن، چاپ شدن، کشته شدن، سفت شدن یا محوشدن، نوعی فعل مرکب لازم است. این نوع استدلال به نفعی مجهول در زبان فارسی می‌انجامد و موبین نیز با استدلالی مبتنی بر این فرض منکر وجود مجهول در زبان فارسی شده است. در رد ادعای موبین، دبیر مقدم (۱۹۸۲) استدلال می‌کند که در جملاتی نظیر این نامه دیروز پست شده، فعل کردن، بنا به دلایلی که به طبیعت زبان فارسی مربوط است، حذف شده و در اصل جمله چنین بوده است: این نامه دیروز پست کرده شده است. این دلیل مستند و قابل قبول است. خانلری (۱۳۴۵:۲۱) نیز می‌گوید که در فارسی دری متداول تا قبل از قرن هفتم هجری فعل کردن از ساختار مجهول حذف نمی‌شده است. دو جمله زیر را به عنوان مثال از خانلری نقل می‌کنیم:

۱۸. بسیار مواضع دیگر هست که اگر ذکر آن کرده شود دراز گردد.

۱۹. روزی مقسوم است؛ به هرکس آن رسد که در ازل قسمت کرده شده است.

از آن گذشته افعال مرکبی که صورت معلوم آنها با فعلی غیر از کردن ساخته شده، این فعل را در صورت مجهول خود حفظ کرده‌اند. مثال:

۲۰. آواز داده شد که کیستی.

۲۱. این اصل به موارد مشابه تعمیم داده شده است.

۲۲. به ژنرال فرمان داده شد که شهر را بمباران کند.

۲۳. از آن قولها که وعده داده شد هیچ کدام تحقق نیافت.

چنان که گفتیم جملاتی که دارای فعل مجهول و شبه مجهول هستند در یک خصوصیت مشترکند و آن این است که در هر دو، فاعل دستوری که نه عامل است و نه علت عمل، از فعل اثر می‌پذیرد و تفسیر وضعیت می‌دهد. در جمله مجهول فاعل دستوری در نتیجه دخالت ارادی عاملی خارجی تغییر وضعیت می‌دهد ولی در جمله دارای فعل شبه مجهول فاعل دستوری از عمل غیرارادی عامل، یا علت اثر می‌پذیرد. پس دو نوع فاعل دستوری داریم. اختلاف میان این دو نوع فاعل و به طور کلی اختلاف میان دو نوع واقعه‌ای را که با شدن بیان می‌شوند با استفاده از نظریه هاپروتامپسن (۱۹۸۰) در مورد نسبی بودن مفهوم تعدی (transitivity) می‌توان توضیح داد. بنابراین نظریه، تعدی یک پیوستار است نه مفهومی دو وجهی. به عبارت دیگر چنین نیست که فعل یا لازم است یا متعدی، بلکه عناصر متعددی در لازم یا متعدی بودن فعل دخیل‌اند. وجود برخی عناصر باعث می‌شود که فعلی متعدی‌تر از فعل دیگر باشد. تا آنجا که به افعال مجهول و شبه مجهول مربوط می‌شود، سه عنصر بیش از سایر عناصر اهمیت دارند. این سه عنصر عبارتند از: شرکت‌کنندگان در واقعه (participants)، واقعه ممکن است دارای یک (فقط فاعل) یا دو (فاعل و مفعول) یا چند شرکت‌کننده باشد؛ عاملیت (agency) یا میزان دخالتی که فاعل در عمل دارد؛ و ارادی بودن (volitionality) یا میزان ارادی بودن عمل. این سه عنصر به یکدیگر مرتبط‌اند. برای مثال اگر واقعه‌ای فقط یک شرکت‌کننده داشته باشد، مثل *علی افتاد*، در این صورت فعل این جمله در جهت منفی پیوستار تعدی و در حد نهایی آن قرار می‌گیرد چون در جمله مفعولی وجود ندارد که عمل از فاعل به آن انتقال یابد. اما اگر در واقعه‌ای دو شرکت‌کننده یعنی فاعل و مفعول وجود داشته باشد، در این صورت عوامل دیگر در میزان متعدی بودن فعل دخیل‌اند. بدین ترتیب، با استفاده از نظریه نسبی بودن مفهوم تعدی، افعال دو نوع واقعه‌ای را که با شدن بیان می‌شوند می‌توان به قرار زیر تعیین کرد:

۱- برخی وقایع یک شرکت‌کننده (فاعل دستوری) دارند که عمل بدون اراده او صورت می‌گیرد. افعالی که این نوع وقایع را گزارش می‌کنند از حیث متعدی بودن در مرتبه پایینی قرار دارند. این افعال را **شبه مجهول** نامیدیم. شایان ذکر است که در برخی وقایع که یک شرکت‌کننده دارند، فعل از حیث ارادی بودن و عاملیت در مرتبه بالایی قرار می‌گیرد چون فاعل، عامل نیز هست. (برای مثال فعل *قدم زدن* در جمله *علی هر روز قدم می‌زند*). در واقع، به طوری که هاپروتامپسون (۱۹۸۰: ۲۶۵) می‌گویند، برخی افعال لازم از برخی دیگر از افعال لازم "متعدی‌تر" هستند. این قبیل افعال را افعال لازم محض نامیدیم.

۲- برخی وقایع دو شرکت‌کننده دارند، یکی عامل و دیگری مفعول که همان فاعل دستوری است. عمل به طور ارادی از عامل صادر می‌شود و مفعول اختیاری در عمل ندارد. این نوع وقایع، با فعل مجهول بیان می‌شوند. هر چه میزان ارادی بودن فعل بیشتر باشد. احتمال این که فعل به صورت مجهول بیان شود بیشتر است. زبان فارسی در مقایسه با زبان انگلیسی از نظر ضرورت ارادی بودن فعل مجهول انعطاف کمتری دارد. حتی مترجمان تازه کار که معمولاً ساختهای مجهول انگلیسی را به صورت مجهول ترجمه می‌کنند، گاه می‌بینند که برخی از جملات مجهول در فارسی خیلی غیرعادی به نظر می‌رسند. برای مثال جمله *Ali is liked by all the students in the class* در انگلیسی جمله‌ای کاملاً طبیعی است، هر چند که فعل *like* از حیث ارادی بودن در مرتبه پایینی قرار دارد. ترجمه این جمله به ساخت مجهول در فارسی کاملاً غیر قابل قبول است: *علی توسط همه بچه‌های کلاس دوست داشته*

می‌شود. بنابراین، افعال مجهول از حیث ارادی بودن عمل در مرتبه بالا و از حیث عاملیت در مرتبه پایینی قرار دارند.

۳- برخی افعال شبه مجهول را اعم از این که خارج از بافت یا در بافت بخصوصی قرار بگیرند می‌توان بی‌هیچ ابهامی غیر ارادی تعبیر کرد. برخی از این افعال عبارتند از: افسرده شدن، گم شدن، وخیم شدن. مشکل این است که بسیاری از افعال شبه مجهول از حیث ارادی بودن عمل ابهام دارند به طوری که خارج از بافت آنها را می‌توان هم ارادی و هم غیر ارادی تعبیر کرد و در نتیجه هم شبه مجهول و هم مجهول دانست. برای مثال جملات زیر را در نظر بگیرید:

۲۴. الف. پل قدیمی خراب شد و به جای آن پلی جدید ساخته شد.  
 ب. پل قدیمی بالاخره خراب شد ولی خوشبختانه کسی آسیب ندید.  
 ۲۵. الف. قبل از این که تروریستها بمب را کار بگذارند، بمب منفجر شد.  
 ب. به دستور رهبر تروریستها، بمب منفجر شد.

در جملات (۲۴ الف) و (۲۵ الف) افعال خراب شدن و منفجر شدن به طور غیر ارادی انجام شده‌اند و در نتیجه شبه مجهول هستند، حال آنکه در جملات (۲۴ ب) و (۲۵ ب) همین افعال به طور ارادی انجام شده‌اند و در نتیجه مجهول هستند. بدین ترتیب، با توجه به تفکیکی که میان دو نوع فاعل دستوری ایجاد شد، مرز میان فعل لازم، فعل متعدی و فعل شبه مجهول نیز روشن شد. اکنون بینیم مفهوم شبه مجهول در زبان انگلیسی چگونه بیان می‌شود.

#### ۴. فعل شبه مجهول در زبان انگلیسی

مفهومی که در اینجا شبه مجهول نامیدیم، در انگلیسی با سه نوع فعل بیان می‌شود: فعل میانه (middle)، فعل ارگتیو (ergative) و فعل متشکل از get و اسم مفعول. وجه مشترک این سه نوع فعل این است که فاعلی که با این افعال می‌آید عامل فعل نیست. نخست به بررسی فعل میانه و ارگتیو می‌پردازیم. دلیلی که این دو دسته را از هم متمایز کرده‌اند<sup>۲</sup>، برخی خصوصیتها یا محدودیت‌های کاربردی خاص آنهاست. نخست چند مثال برای هر دسته: افعال میانه:

26. Bureaucrats bribe easily.  
 24. Greek translates easily.  
 28. Messages transmit rapidly by satellite.  
 29. The floor waxes easily.  
 30. The car drives nicely.  
 31. The toys assemble rapidly.

افعال ارگتیو:

32. The ice melted.  
 33. The boat sank.  
 34. The department centralized.  
 35. The solution generalized.  
 36. MIT reorganized.

چنان که از مثالها برمی آید، افعال ارگتیو را می توان در زمانهای مختلف و برای بیان وقایع به کار برد. حال آنکه افعال میانه که همیشه عامل انسانی دارند، (برای مثال *One bribes bureaucrats easily*) فقط قضا یا عبارات کلی را بیان می کنند، همچنین افعال میانه لزوماً یا قید (معمولاً *easily*) همراهند حال آنکه افعال ارگتیو بدون نیاز به قید نیز به کار می روند. تفکیک میان افعال ارگتیو و افعال میانه در مورد زبان فارسی صدق نمی کند و هر دو نوع فعل را می توان تحت عنوان فعل شبه مجهول گنجانند.<sup>۳۹</sup>

بنابراین، با این تعبیر از فعل ارگتیو و فعل میانه، می توان گفت که در فارسی نیز فعل ارگتیو و فعل میانه وجود دارد و البته معنی این سخن این نیست که هر فعل میانه یا ارگتیو در انگلیسی فعل میانه یا ارگتیو نظیری در فارسی دارد. در انگلیسی نمی توان از کلیه افعال متعدی فعل میانه یا ارگتیو ساخت. به عبارت دیگر قانون ساختن این دو نوع فعل صد درصد زایا (*productive*) نیست. برای مثال جملات زیر در انگلیسی غیر دستوری است:

37. (middle verb) \* French acquires easily.

38. (ergative verb) \* The place didn't visualize clearly.

با این حال تعداد افعال میانه و ارگتیو در انگلیسی بسیار زیاد است و با توجه به نیاز روزافزون این زبان به این قبیل افعال تعداد آنها روز به روز افزایش می یابد. در انگلیسی، برخلاف فارسی، این نوع افعال صورت صرفی متفاوت از صورت متعدی آنها ندارند بلکه در واقع برای ساختن این نوع افعال کافی است کاربرد فعل را از متعدی به میانه یا ارگتیو تعمیم داد. برای مثال افعال ارگتیو زیر تنها دسته ای از افعالی هستند که با پسوند *ize* ساخته شده اند:

Americanize	anatomize	automatize	centralize
channelize	demilitarize	demobilize	equalize
federalize	generalize	harmonize	liberalize
localize	mechanize	mobilize	neutralize
normalize	organize	oxidize	polarize
regularize	reorganize	revitalize	stabilize
standardize	synchronize	urbanize	

اگر از دید مقایسه ای به افعال شبه مجهول در فارسی و انگلیسی نگاه کنیم، می بینیم که این افعال در زبان فارسی بیشتر از زبان انگلیسی وجود دارند و در واقع قانون شبه مجهول ساز فارسی فراگیرتر از قانون ارگتیو ساز انگلیسی است. در نتیجه فارسی در بیان مفهوم شبه مجهول بسیار تواناتر از انگلیسی است. عموم افعال میانه یا ارگتیو انگلیسی را می توان به افعال شبه مجهول نظیر آنها در فارسی ترجمه کرد، اما عکس این صادق نیست. و نیز، اگر متنی را از انگلیسی به فارسی ترجمه کنیم، طبعاً برخی از افعال مجهول به افعال شبه مجهول ترجمه می شود و برعکس اگر متنی را از فارسی به انگلیسی ترجمه می کنیم، مجبوریم برخی از افعال شبه مجهول را به مجهول تبدیل کنیم.

ابزار دیگری که انگلیسی برای بیان مفهوم شبه مجهول دارد، ساختار *get + اسم مفعول* است. در کتب دستور گفته می شود که انگلیسی دو ساختار مجهول دارد، یکی آن که با *be* و دیگر آن که با *get* ساخته می شود. (این دو ساختار را به ترتیب ساختار *be* و ساختار *get* می نامیم.) در این که ساختار *get* گاه به عنوان ساختار مجهول به کار می رود تردیدی نیست، نظیر دو جمله زیر:

39. You'll get charged two dollars.

40. You'll get fired.



ساختار *get* به عنوان ساختاری مجهول از جهات مختلف از جمله از نظر سبکی با ساختار *be* متفاوت است (ساختار *get* بیشتر در محاوره به کار می‌رود ولی ساختار *be* بیشتر در سبک رسمی). به رغم برخی اختلافهای کاربردی، برخی شباهتها میان این دو ساختار مجهول نیز وجود دارد. برای مثال هر چند در برخی از دستورهای تجویزی گفته می‌شود که ساختار *get* با عبارت کنادی (...by) نمی‌آید، پیکره‌های زبانی نشان می‌دهند که عبارت کنادی در هر دو نوع ساختار به کار می‌رود. علاوه بر این، در هر دو نوع ساختار، مفعولی که از فعل اثر پذیرفته در جایگاه فاعل در ابتدای جمله قرار می‌گیرد.

اختلافات عمده میان این دو ساختار در این است که ساختار *get* غالباً همچون ساختاری معلوم برای بیان واقعه همراه با تغییر حالت یا وضعیت به کار می‌رود. تغییری که ساختار *get* بیانگر آن است یا توسط فاعل به طور ارادی در خود انجام می‌شود، یعنی فاعل و عامل یکی است - در این مورد ساختار *get* نوعی ساختار انعکاسی (*reflexive*) و یا دوسویه (*reciprocal*) به شمار می‌آید - و یا آن که فاعل بی‌آن که خود اراده کند از فعل اثر می‌پذیرد. در این مورد گوینده صرفاً در پی بیان این نکته است که فاعل از فعل اثر پذیرفته است. اختلاف میان ساختار *be* و ساختار *get* به عنوان ساختاری معلوم در دو مثال زیرا از لیکاف (۱۹۷۱) مشخص می‌شود:

41. a. Mary got shot on purpose.

b. Mary was shot on purpose.

در جمله (a) مری خود عامل فعل است و عمدتاً به خود شلیک کرده. حال آنکه در جمله (b) مری مفعول است و کسی دیگر عمدتاً به او شلیک کرده. بولینجر (۱۹۶۶) نیز نظر مشابهی در مورد ساختار *get* داده است. به مثالهای زیر توجه کنید:

42. a. How was he killed?

b. How did he get killed?

43. a. He was caught by the police.

b. He got caught by the police.

به اعتقاد بولینجر، جملات (b) این معنی را القا می‌کنند که فرد خود عامل کشته شدن یا دستگیر شدن خویش بوده است، حال آن که از جملات (a) چنین معنایی بر نمی‌آید. پس فعل *get* علاوه بر آن که در ساختن نوعی مجهول به کار می‌رود، به عنوان فعلی معلوم همراه با اسم مفعول و برای بیان واقعه‌ای که با نوعی تغییر همراه است نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. کاربردهای *get* را به شرح زیر می‌توان چنین خلاصه کرد:

الف: به صورت فعلی انعکاسی. در این جا فاعل و عامل یکی است و فعل لازم و ارادی است (فعل شدن در فارسی بسندرت برای بیان چنین مواردی استفاده می‌شود).

*get married* (دوسویه) ازدواج کردن      *get divorced* (دوسویه) طلاق گرفتن

*get dressed* (انعکاسی) لباس پوشیدن      *get prepared* (انعکاسی) آماده شدن

ب: به عنوان فعلی شبه مجهول. در این کاربرد فاعل غیر از عامل یا علت است و فعل غیرارادی صورت

می‌گیرد. چند مثال:

*get confused*      گیج شدن      *get sucked in*      مکیده شدن

*get drunk*      مست شدن      *get hurt*      آسیب دیدن؛ آزرده شدن

*get lost*      گم شدن      *get worried*      نگران شدن

*get depressed*      افسرده شدن      *get caught (in traffic)*      گیر کردن

چنان‌که از معادله‌های فارسی دسته (ب) بر می‌آید، در غالب مواقع ساختار get را می‌توان به افعال شبه مجهولی که با فعل شدن ساخته می‌شوند ترجمه کرد. پس می‌توان نتیجه گرفت که فعل get و شدن در بسیاری از موارد نقش واحدی دارند و آن این است که با دادن حالت شبه مجهول به فعل، واقعه‌ای همراه با تغییر را گزارش می‌کنند و نشان می‌دهند که فاعلی دستوری از فعل اثر پذیرفته است. به عبارت دیگر نقش شدن در فارسی بیان تغییر در وضعیت فاعل دستوری است و فعل get نیز در انگلیسی در بسیاری از مواقع چنین نقشی را ایفا می‌کند.

##### ۵. نتیجه

در این مقاله دسته‌ای از افعال لازم را که از نظر معنایی ویژگی‌های خاصی داشتند تعریف کردیم و آنها را افعال "شبه مجهول" نامیدیم. دلیل انتخاب این عنوان این بود که از طرفی در جملاتی که فعل شبه مجهول دارند، همچون جملات مجهول، فاعل عامل فعل نیست و از طرف دیگر این گونه جملات ساختاری معلوم دارند نه مجهول. سپس نشان دادیم که زبان انگلیسی چه ابزاری برای بیان مفهوم شبه مجهول دارد. به دلیل طولانی شدن مقاله، بحث را به همین جا ختم می‌کنیم و در شماره آینده برخی از ابهامات یا نکات مطرح نشده را توضیح می‌دهیم و مثال‌های متعددی از ترجمه افعال شبه مجهول (از انگلیسی به فارسی و برعکس) برگرفته از ترجمه‌های موجود نقل خواهیم کرد.

##### پی‌نوشت

بر خود لازم می‌دانم از همکار گرامی آقای سید محمد رضا هاشمی که مقاله را خواندند و نکاتی را گوشزد کردند تشکر کنم.

۱. نام این زبان‌شناس John Moyné است که دبیر مقدم (۱۳۶۴) آن را ج. معین ثبت کرده است. در مورد این که معین درست است یا موین اطمینان ندارم ولی به نظر می‌رسد اگر این نام اصلاً فارسی نباشد، ثبت آن به صورت موین ترجیح دارد.
۲. دبیر مقدم (۱۳۶۴) افعال شبه مجهول را تحت عنوان ساختهای ناگذرا (inchoative) از افعال مجهول متمایز کرده است.
۳. تفکیک میان دو نوع فعل ارگتیو و میانه در انگلیسی را اولین بار Keyser و Roeper پیشنهاد کرده‌اند. جملات (۲۶) تا (۳۶) و نیز فهرست افعال ارگتیو که با پسوند ize ساخته شده‌اند از مقاله این دو زبان‌شناس با عنوان On the Middle and Ergative Constructions in English گرفته شده است.

##### کتابنامه:

1. Bolinger, D. 1966. unpubl. Personal letter to F. Householder. In Fox, B and Hopper, P. (ed.). 1994. "The Rise of the English Get-passive." *Voice, form and Function*. John Benjamins Publishing Company, Amsterdam, 119-149.
2. Dabir- Moghaddam, M. 1982. *Syntax and Semantics of Causative Constructions in Persia*. Unpublished Ph.D. dissertation. University of Illinois, Urbana.
3. Hopper, P.J. and Thompson, S.A. 1980. "Transitivity in grammar and discourse." *Language*. 56:251-299.6.
4. Keyser, S.J. and Roeper, T. 1984. "On the middle and Ergative Constructions in English." *Linguistic Inquiry*, 15:381-416.
5. Lakoff, R. 1971. *Passive Resistance*. Chicago Linguistic Society 7.
6. Moyné, J. 1974. "The so-called passive in Persian." *Foundations of Language*, 12:249-267
7. Windfuhr, L.G. 1979. *Persian Grammar: History and States of its Study, Trends in Linguistics, State-of-the Art Reports 12/* Mouton Publishers.